سرمقاله

خروجی مذاکرات پاکستان «صلح سرد»؟!

ادامه از صفحه یک

همچنین مسیرهای دریایی و گلوگاه‌های مهمی مانند تنگه مالاکا، کانال سوئز، تنگه هرمز و باب‌المندب را در خود دارد که برای تجارت جهانی و جریان انرژی ضروری هستند. با رویارویی قدرت دریایی غرب به رهبری آمریکا با ائتلاف قدرت زمینی چین، روسیه و ایران، ریملند به میدان نبرد نهایی تبدیل شده که به نظر می‌رسد سرنوشت نظم جهانی آینده در آن رقم خواهد خورد. در قرن حاضر، ریملند تنها یک فضای جغرافیایی نیست، بلکه نقطه اتکای ژئوپولیتیک است که تعادل قدرت را برای دهه‌ها شکل خواهد داد.

وقتی به قاب بزرگ اهداف نگاه کنیم متوجه می‌شویم که جنگ برای انبارهای نفت نیست بلکه جنگ بر سر کریدور نفت است و کریدور انرژی نقشی مهم‌تر از ذخائر و انبارهای انرژی ایفا می‌کند.

آمریکای ترامپی با توجه به اهمیت کریدورها، بی‌توجه به مناسبات نظم سنتی، هر روز به گوشه‌ای از جهان چنگ می‌اندازد.

مطمئن هستم هیچ‌کدام از ما ایرانی‌ها تا این اندازه اهمیت و کارکرد تنگه هرمز را توجه نداشتیم. این جنگ به همه ما نشان داد که جغرافیای سیاسی ایران مهم‌تر از بمب اتم در نظم جدید جهان نقش ایفا خواهد کرد.

تنگه با جانفشانی فرزندان ملت در میدان نبرد و میدان‌داری مردم در چهل روز گذشته، ما و آمریکا را یک‌بار دیگر پای میز مذاکره برده است.

میز مذاکره پاکستان را می‌توان به میز مذاکره فاتحان جنگ جهانی دوم برای نظم‌بخشی جهان تشبیه کرد.

اگر خروجی میز فاتحان جنگ جهانی دوم، نظم مبتنی بر جنگ سرد بین اتحاد جماهیر شوروی به نمایندگی بلوک شرق و آمریکا به نمایندگی بلوک غرب بود؛ اکنون هم می‌توان پیش‌بینی کرد که در خوش‌بینانه‌ترین حالت خروجی میز مذاکره پاکستان «صلح سرد» بین ایران به نمایندگی بلوک ریملندی‌ها و آمریکا به نمایندگی هارتلندی‌ها می‌باشد.

«صلح سرد» یعنی توافق بر پایان جنگ در محیط سرد بی‌اعتمادی ولی همچنان انگشت‌ها بر ماشه خواهد بود.

نظم مبتنی بر «صلح سرد» مختصات و فواید و عوارض آن را در آینده، به شرط حیات، بیشتر توضیح می‌دهم.

خبر

استقرار ۱۰ هزار نیروی امنیتی در اسلام‌آباد همزمان با ورود مقام‌های آمریکایی

رسانه‌های پاکستانی گزارش دادند همزمان با ورود مقام‌های بلندپایه آمریکایی به پاکستان برای برگزاری مذاکرات حساس با ایران، دولت اسلام‌آباد پایتخت این کشور در حالت آماده‌باش امنیتی قرار گرفته و بیش از ۱۰ هزار نیروی نظامی، انتظامی و شبه‌نظامی برای تأمین امنیت این مذاکرات به کار گرفته شده‌اند.

به گزارش ایسنا، شهر اسلام‌آباد از امروز جمعه میزبان هیات‌های مذاکره‌کننده ایران و آمریکاست که قرار است دور اول گفت‌وگوها را روز شنبه با هدف کاهش تنش‌ها پس از برقراری آتش‌بس دو هفته‌ای آغاز کنند.

منابع خبری به روزنامه پاکستانی «داون» از ورود یک هیات ۳۰ نفره از مقام‌های آمریکا به اسلام‌آباد برای بررسی نهایی تمهیدات امنیتی خبر داده‌اند.

«محسن نقوی»، وزیر کشور پاکستان ضمن استقبال از این رویداد، گفت: «برگزاری مذاکرات ایران و آمریکا در اسلام‌آباد پس از برقراری آتش‌بس، مایه افتخار پاکستان است.»

بر اساس این گزارش، منطقه امنیتی حائل قرمز (رِد زون) که محل استقرار ساختمان‌های دولتی و سفارت‌خانه‌هاست، به طور کامل مسدود شده و تنها افراد مرتبط اجازه ورود خواهند داشت. هم‌چنین هتل ۵ ستاره «سرینا» در همین منطقه برای اقامت هیات‌های خارجی رزرو شده است.

وزارت کشور پاکستان اعلام کرده که نیروهای ارتش و نیروهای ویژه تکاور به همراه پلیس، حفاظت از منطقه قرمز را بر عهده دارند و مسیرهای تردد ویژه‌ای برای رفت‌وآمد هیات‌های خارجی در نظر گرفته شده است. همچنین مدارس و ادارات در شهرهای اسلام‌آباد و راولپندی تعطیل شده و بیمارستان‌ها در حالت آماده‌باش کامل قرار گرفته‌اند. «اسحاق دار»، وزیر خارجه پاکستان نیز از صدور روادید فرودگاهی برای تمام هیات‌ها و خبرنگاران کشورهای شرکت‌کننده و رسانه‌هایی که مایل به پوشش خبری این مذاکرات هستند، خبر داده است.

ریشه‌های ناکامی ترامپ در مدیریت بحران ایران چیست؟

آتش‌بس؛ فرصتی برای نفس‌کشیدن یا آرامش پیش از طوفان

آتش‌بس ۱۴ روزه در جنگ ایران شکننده است. ترامپ با نادیده گرفتن کارشناسان و گوش دادن به وعده‌های خوش‌بینانه نتانیاهو (کشته شدن رهبر ایران، قیام مردمی و تغییر نظام) جنگی را آغاز کرد که به شکست انجامید. ایران نه تنها از بین نرفت، بلکه کنترل تنگه هرمز را به دست گرفت، جسورتر شد و اقتصاد جهانی را شکننده کرد. ترامپ با حذف دیپلمات‌های حرفه‌ای و محاصره خود با آدم‌های مطیع، فاجعه را رقم زد.

در حالی که دلیل اصلی شروع جنگ، امنیت اسرائیل بود، اما بعد از این که ایران تنگه هرمز را بست جنگ خیلی سریع به مسئله انرژی کشیده شد

به گزارش فرارو به نقل از نشریه فارن پالیسی، با اعلام آتش‌بس ۱۴ روزه در مناقشه خاورمیانه، مردم جهان می‌توانند نفسی راحت بکشند؛ اما کمی احتیاط هم بد نیست. توقف درگیری‌ها همیشه شکننده است؛ پیدا کردن یک راه‌حل پایدار تقریباً به بیشتر از این دو هفته زمان نیاز دارد؛ و مذاکرات پیش‌رو تحت تأثیر بی‌اعتمادی زیادی قرار خواهد گرفت. چون آمریکا در سال گذشته، در حالی که هنوز گفت‌وگوهای دیپلماتیک ادامه داشت، دو بار ایران را بمباران کرد.

تنگه هرمز حالا در اختیار تهران؛ سلاحی تازه بدون بمب اتم

به هر حال، روایت‌پردازی از هم‌اکنون شروع شده است. آمریکا، اسرائیل و ایران هر کدام ادعا می‌کنند که در این پنج هفته جنگ پیروز شده‌اند. اما برای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، واقعیت چندان خوشایند به نظر نمی‌رسد. حتی اگر همه چیز به همان حالت قبل برگردد، ترامپ رهبری ۸۶ ساله را با رهبری سی سال جوان‌تر از خودش عوض کرده است. نظام جمهوری اسلامی نه تنها از بین نرفته، بلکه جسورتر و انقلابی تر شده است. تهران هنوز هم می‌تواند پهپادهای تهاجمی را به سراسر منطقه بفرستد و به زودی توانایی پرتاب موشک‌های بالستیک خود را هم بازسازی می‌کند.

رهبری جدید ایران به چیزی دست پیدا کرده که پیش از جنگ، یا حتی در هیچ‌کدام از پنجاه سال تنش با آمریکا، هرگز نداشت. تهران کنترل عملی بر تنگهٔ هرمز را در دست گرفته است؛ مهم‌ترین نقطهٔ تنگ جهان برای انرژی و همچنین یک شاهراه بزرگ برای حمل کود و هلیوم که ماده‌ای حیاتی در تولید نیمه‌رساناهاست. حالا که ایران یاد گرفته از انرژی به عنوان یک سلاح جنگی استفاده کند.

چرا ترامپ جنگی را شروع کرد که کل اقتصاد جهانی را نسبت به اول سال شکننده‌تر کرده است؟ یک احتمال این است که رئیس‌جمهور آمریکا سابقه‌ی طولانی دارد در این که بیشتر از اینکه به اطلاعات سازمان‌های جاسوسی خودش گوش کند، به حرف رهبران کشورهای دیگر توجه می‌کند. شاید چون خارجی‌ها چیزی به او می‌گویند که دلش می‌خواهد بشنود. یا شاید، ترامپ حاضر نیست به ارزیابی هیچ کسی که برایش کار می‌کند احترام بگذارد. برخلاف جنگ عراق در ابتدای این قرن، ماجراجویی‌ای که خود ترامپ به درستی آن را بی‌نتیجه و اشتباه خوانده بود این بار کارشناسان درست پیش‌بینی کرده بودند که اگر کاخ سفید دستور حمله به ایران بدهد، دقیقاً چه اتفاقی می‌افتد. اما ترامپ متخصصان داخلی را بیرون انداخت و خود را با آدم‌هایی محاصره کرد که جلوی حرفش را نمی‌گرفتند.

نتانیاهو و چهار سناریوی خوش‌بینانه‌ای که نقش بر آب شد

یک اتفاق در دورهٔ اول ریاست‌جمهوری ترامپ نشان می‌دهد که جنگ فعلی چطور از مسیر درست خارج شد. در ژوئیهٔ ۲۰۱۸، دونالد ترامپ بعد از دو ساعت گفت‌وگوی پشت‌درهای بسته با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در شهر هلسینکی فنلاند، مقابل رسانه‌های جهان حاضر شد. وقتی از او پرسیدند که آیا ارزیابی سازمان‌های اطلاعاتی خودش را قبول دارد که روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا دخالت کرده، ترامپ گفت: «رئیس‌جمهور پوتین می‌گوید روسیه نبوده است.» بعد هم اضافه کرد: «هیچ دلیلی نمی‌بینم که غیر از این باشد.» در حالی که این را می‌گفت، پوتین با چهره‌ای کاملاً بی‌احساس به او نگاه می‌کرد.

اجرای شوکه‌کنندهٔ ترامپ در آن روز، به نظر می‌رسید در آستانهٔ جنگ با ایران دوباره تکرار شود؛ وقتی در فوریه، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، به کاخ سفید آمد. در گزارش قابل توجهی که این هفته در نیویورک تایمز منتشر شد، فاش گردید که نتانیاهو چطور یک ارزیابی چهاربخشی و بسیار خوش‌بینانه از حمله به ایران به ترامپ ارائه داد: اول، رهبر معظم ایران کشته می‌شود؛ دوم، حملات هوایی توانایی ایران برای پرتاب موشک را کاملاً از بین می‌برد؛ سوم، یک قیام مردمی به راه می‌افتد؛ و چهارم، یک رهبر غیرمذهبی (سکولار) کشور را تصاحب کرده و تغییر نظام را عملی می‌کند.

به گزارش نیویورک تایمز، جان رتکلیف، رئیس سازمان سیا، سناریوی تغییر نظام را «مسخره» خواند. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، آن را «مزخرف» نامید. و ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش، به ترامپ گفت که اسرائیلی‌ها بیش از حد خوش‌بین هستند. او گفت: «قربان، این به تجربهٔ من، رویهٔ همیشگی اسرائیلی‌هاست. آنها زیادی چیز می‌فروشند و نقشه‌هایشان هیچ‌وقت آنطور که باید خوب طراحی نشده است.»

به نظر می‌رسید ترامپ فهمیده که بخش‌های ۳ و ۴ نقشهٔ نتانیاهو (قیام مردمی و تغییر نظام) غیرقابل قبول هستند، اما همچنان به دو بخش اول علاقه داشت. با این حال حتی بخش دوم یعنی حمله هوایی به تأسیسات موشکی ایران تا حد زیادی شکست خورده است. بیش از ۳۰ دقیقه پس از اعلام آتش‌بس، مهمات خوشه‌ای ایران بر فراز تل آویو در حال انفجار دیده شد؛ یعنی ایران همچنان می‌تواند همسایگانش را تهدید کند و رهگیرهای گران قیمت آنها را تحلیل ببرد.

باتلاق ایران؛ سرنوشت کشوری که به حرف متخصصانش گوش نداد

در حالی که دلیل اصلی شروع جنگ، امنیت اسرائیل بود، اما بعد از این که ایران تنگهٔ هرمز را بست جنگ خیلی سریع به مسئلهٔ انرژی کشیده شد. در اینجا هم کارشناسان اصلاً شگفت‌زده نشدند. در جلسهٔ استماع اطلاعاتی سنا در ماه گذشته، تولسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی گفت: «مدتهاست ارزیابی جامعهٔ اطلاعاتی این بوده که اگر به ایران حمله شود، احتمالاً تنگهٔ هرمز را به عنوان اهرم فشار نگه می‌دارد.» اما فقط چند روز قبل از آن، ترامپ در ملأ عام تردید کرده بود: «کی می‌دانست که این اتفاق می‌افتد؟» او همچنین گفت «هیچ کس فکر نمی‌کرد» به کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس حمله شود. همان طور که قبلاً گفتم، جمهوری اسلامی طوری طراحی شده بود که اگر رهبری ارشدش کشته شود، فرو نمی‌پاشد؛ واقعیتی که برای ناظران ایران کاملاً شناخته شده بود. کارشناسان همیشه می‌دانستند؛ ولی ترامپ گوش نمی‌داد.

برای درک فاجعه‌ای که ترامپ در ایران به بار آورد، باید دانست که شرایط این اشتباه مدت ها بود که فراهم می‌شد. در آغاز دورهٔ دوم ریاست‌جمهوری‌اش، مقاماتی که تیم امنیت ملی ترامپ را تشکیل می‌دادند، وفاداری را از هر چیز دیگری مهم‌تر می‌دانستند. آنها آزمون‌های مضحکی برای سنجش خلوص به راه انداختند. هر کسی را که حتی کوچکترین سابقه‌ای در انتقاد از ترامپ یا سیاست‌هایش داشت، کنار می‌گذاشتند، حتی اگر تجربهٔ بسیار خوبی برای نقشی که قرار بود داشته باشد داشت.

بیش از ۱۳۰۰ کارمند وزارت خارجه اخراج شدند. شورای امنیت ملی تقریباً تعطیل شد. چند ماه بعد از شروع دورهٔ دوم ترامپ، لورا لومر، نظریه‌پرداز توطئهٔ بسیار بانفوذ در کاخ سفید، کارزاری راه انداخت تا سیاست‌گذاران ارشد را کنار بزند از جمله نیت سوانسون، دیپلمات حرفه‌ای که به نفر اصلی ترامپ در قبال ایران تبدیل شده بود. (سوانسون در مقاله‌ای در نشریهٔ فارین افرز در فوریه، درست پیش‌بینی کرده بود که آمریکا در باتلاق ایران گرفتار خواهد شد.) ترامپ به جای دیپلمات‌های حرفه‌ای، بیشتر و بیشتر به دوستان و فامیل روی آورد.

یک عامل دیگر هم باعث شد ترامپ به دام بیفتد: شانس خوبش در عملیات‌های قبلی. جنگ ۱۲ روزه علیه ایران در ژوئن سال قبل، هرچند غیرقانونی و بدون مشورت با جهان شروع شده بود، قدرت نظامی آمریکا را نشان داد. کاخ سفید آن را یک موفقیت بزرگ جلوه داد که برنامه هسته‌ای ایران را نابود کرده است. ارزیابی اطلاعاتی محرمانه‌ای که حرف دیگری می‌زد، سریعاً سرکوب و کفرآمیز خوانده شد.

بعد نوبت عملیات ۳ ژانویه برای دستگیری نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا رسید. در آن مأموریت نظامی، خیلی چیزها می‌توانست اشتباه پیش برود، اما نشد. این احتمالاً به رئیس‌جمهور این احساس را داد که شکست‌ناپذیر است. همان طور که خودش بعد از عملیات ونزوئلا در مصاحبه با تایمز گفت: «من به حقوق بین‌المللی نیاز ندارم.» وقتی از او پرسیدند آیا هیچ محدودیتی برای قدرت بی‌حدوحصرش قائل است، جواب داد: «اخلاق خودم. ذهن خودم. فقط این‌ها می‌توانند جلوی مرا بگیرند.»

یک چیزی که رئیس‌جمهور واقعاً در آن خوب است، درک ریتم اخبار ۲۴ ساعته شبکه های تلوزیونی است. بارها و بارها در طول بحران ایران، ترامپ توانست بازارها را قانع کند که جنگ رو به پایان است. اما حتی ترامپ هم باید می‌دانست که هرچه جنگ طولانی‌تر شود و ایران بیشتر اقتصاد جهانی را گروگان بگیرد، این اجرای تلویزیونی اثر جادویی خود را از دست می‌دهد. در پایان، تخصص اهمیت دارد. متخصصان ممکن است اشتباه کنند، اما شما هنوز به آنها در اتاق نیاز دارید و باید قدرشان را بدانید تا نظرشان را بگویند. اگر ترامپ این هفته آن درس را یاد نگرفته باشد، احتمالاً ایران و دیگر دشمنان آمریکا به بازی‌گردانی از او ادامه خواهند داد.

آیین تجلیل شهدای جنگ و کمال خرازی در مرقد امام راحل برگزار شد

وداع با دیپلمات کهنه‌کار

همزمان با برگزاری آیین‌های سوگواری چهلمین روز شهادت رهبر انقلاب در سراسر ایران، نمازجمعه تهران نیز با هدف تجلیل و تشییع شهدای جنگ رمضان در مرقد امام راحل اقامه شد.

به گزارش ایسنا، از ساعت ۱۰ صبح جمعه ۲۱ فروردین مرقد امام راحل با میزبانی از نمازگزاران و سوگواران چهلمین روز شهادت رهبر انقلاب، آیین تجلیل از شهدای «جنگ رمضان» را در حالی آغاز کرد که شامگاه پنجشنبه خبر شهادت کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران در پی جراحات ناشی از حمله تروریستی رژیم اسرائیل و آمریکا به منزل شخصی او منتشر و ساعتی بعد در اطلاعیه‌ای تکمیلی اعلام شد تشییع پیکر وی، همراه چند شهید دیگر جنگ رمضان - از جمله کودکی یک‌ساله - در مرقد امام راحل برگزار خواهد شد.

ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه با ورود پیکر شهید کمال خرازی و دیگر شهدای جنگ رمضان به صحن مرقد امام راحل، مراسم تشییع آغاز شد و سوگواران با سردادن تکبیر و شعارهایی در حمایت از ایران، رهبری و لبنان، پیکر شهدا را به سمت محل تدفین در بهشت زهرا همراهی کردند.

پس از مراسم تشییع، سخنرانی حجت‌الاسلام رفیعی با محوریت تجلیل از رهبری شهید انقلاب و دیگر شهدای جنگ رمضان آغاز شد. او با بیان اینکه «رهبر شهید ما خدامحور بود»، اظهار کرد: «رهبر شهید ما، چون کارش برای خدا بود از هیچ چیزی نمی‌ترسید و هرگز مأیوس نمی‌شد. هرکس سخنان رهبر شهید را می‌شنید امیدوار می‌شد.»

با پایان سخنرانی رفیعی و فرارسیدن زمان اذان ظهر، حجت‌الاسلام علی‌اکبری خطیب موقت نمازجمعه در سخنانی با تجلیل از رهبر شهید انقلاب، گفت: « رهبر شهید هیچگاه از خدمت عاشقانه به آرمانهای انقلاب فروگذار نکردند. سپردن رهبری و زعامت امت به ایشان پس از امام راحل، سخت‌ترین مسئولیت ممکن بود. رهبر شهید در دوران زعامت خود، بزرگترین خدمات را به اصل ولایت فقیه انجام دادند.»

وی همچنین تاکید کرد: «به اذعان کارشناسان برجسته نظامی در سطح جهان و شخصیت‌های سیاسی بین‌الملل و رسانه‌های کشورهای متخاصم، ایران سربلند با قاطعیت از این چله جهاد و حماسه بیرون آمد و میراث باشکوه امامین انقلاب را به شایستگی حفاظت کرد.»

خطیب موقت نمازجمعه تهران با بیان اینکه «وحدت و انسجام ملی تنها راه ادامه پیروزی است»، یادآور شد: «اعتماد به مسئولان عالی و شورای عالی امنیت ملی وجود دارد، اما هیچ‌گونه اعتماد به دشمن صورت نخواهد گرفت مگر آنکه تمام شرایط توافق اولیه را اجرا کند.»

مراسم تجلیل از شهدای «جنگ رمضان» پس از اقامه نماز جمعه با حضور جمعی از سوگواران و نمازگزاران در بهشت زهرا به پایان رسید.

همچنین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های هفتم و هشتم در پیامی به شهادت سید کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی را به فرزندان شهید و صادق خرازی تسلیت گفت.

به گزارش ایسنا، متن پیام دو تسلیت حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های هفتم و هشتم به فرزندان شهید کمال خرازی به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحیم

عزیزان گرانقدر دکتر سلمان خرازی و جناب دکتر علی خرازی

شهادت تابسوز برادر بزرگوارم جناب آقای دکتر کمال خرازی که عمر شریف خود را در خدمت انقلاب، ایران و دانش و اعتلاء میهن صرف کرد و نیز بانوی بافضیلت و دردآشنا سرکار مرضیه خانم رئیس قاسم پدر و مادر بزرگوارتان را صمیمانه به شما عزیزان و همه بستگان داغدار تسلیت می‌گویم و از پیشگاه حضرت پروردگار برای این عزیزان آمرزش و رحمت و علو درجات و برای بازماندگان معزز تندرستی، شکیبایی و پاداش نیکو مسألت می‌کنم.

یادشان گرامی و روانشان شاد باد.»

اخبار

دفتر رهبر انقلاب:

امام شهید همه ملت ایران را فرزندان خود می‌دانستند

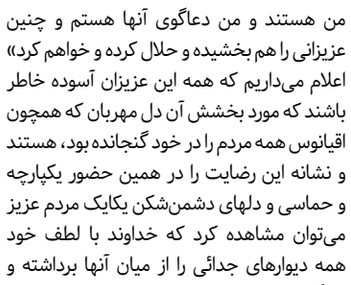

دفتر رهبر انقلاب با انتشار اطلاعیه‌ای تاکید کرد: با توجه به تماس‌های مکرر برخی اقشار مردم برای طلب حلالیت از امام شهید، اعلام می‌داریم همه این عزیزان آسوده خاطر باشند که مورد بخشش امام شهید هستند.

به گزارش ایسنا، متن اطلاعیه دفتر رهبر انقلاب به شرح زیر است:

«به اطلاع ملّت عزیز، شریف، آزاده و دلیر ایران می‌رساند:

اقشاری از مردم در تماس با دفتر با اندوه فراوان از اینکه تحت تأثیر تبلیغات دروغین شبکه‌های دروغ‌پراکن دشمن، مواضعی ناروا و احیاناً جسارتهایی نسبت به ساحت والای رهبر عالیقدر، امام شهید (رضوان الله تعالی علیه) داشته‌اند و موفق به طلب حلالیّت نشده‌اند اظهار تأسف کرده، کسب تکلیف می‌کنند. با توجه به پاسخ مکرّر ایشان به موارد مشابه در زمان حیات پربرکت خود که بارها فرمودند «همه ملّت ایران فرزندان من هستند و من دعاگوی آنها هستم و چنین عزیزانی را هم بخشیده و حلال کرده و خواهم کرد» اعلام می‌داریم که همه این عزیزان آسوده خاطر باشند که مورد بخشش آن دل مهربان که همچون اقیانوس همه مردم را در خود گنجانده بود، هستند و نشانه این رضایت را در همین حضور یکپارچه و حماسی و دلهای دشمن‌شکن یکایک مردم عزیز می‌توان مشاهده کرد که خداوند با لطف خود همه دیوارهای جدائی را از میان آنها برداشته و همگان با شعار الله‌اکبر، پرچم کلمةالله هی العلیا را برافراشته‌اند و با توکّل بر خدا، همدل و همسو و همگام جز به پیروزی بر دشمن پلید بشیریت نمی‌اندیشند.

محکم بایستید و یقین بدانید که دعای سیدالشهدای تاریخ ایران شامل یکایک شما مردم عزیز بوده و خواهد بود و همین ثبات قدم شماست که نصرت الهی و فتح قریب را نوید می‌دهد که فرمود اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم وَیُثَبِّت اَقدامَکُم.»

معاون رئیس جمهور آمریکا:

ما منتظر مذاکره با ایران هستیم

جی‌دی ونس معاون رئیس جمهور آمریکا در آستانه عزیمت به پاکستان گفت که ما منتظر مذاکره هستیم. فکر می‌کنم مثبت خواهد بود.

به گزارش ایرنا به نقل از رویترز، ونس پیش از ترک واشنگتن به مقصد پاکستان به خبرنگاران افزود :همانطور که رئیس جمهور گفته، اگر ایرانی‌ها مایل باشند که با حسن نیت مذاکره کنند ما نیز قطعا تمایل داریم که دست خود را دراز کنیم.

وی اظهار کرد: اگر آنها بخواهند ما را بازی دهند، متوجه خواهند شد که تیم مذاکره‌کننده چندان پذیرا نیست. ونس اضافه کرد که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا «دستورالعمل‌های روشنی» در مورد مذاکره با ایران به هیات آمریکایی داده است. کارولین لویت سخنگوی کاخ سفید در پی اعلام آتش بس دو هفته ای میان تهران و واشنگتن اعلام کرد: مذاکرات شنبه آینده (۲۲ فروردین ۱۴۰۵ برابر با ۱۱ آوریل ۲۰۲۶) به رهبری «جی دی ونس» معاون رئیس جمهوری آمریکا در اسلام آباد پاکستان برگزار می شود.

سخنگوی دولت آمریکا افزود: در این مذاکرات «استیو ویتکاف» فرستاده ویژه و «جرد کوشنر» داماد و مشاور دونالد ترامپ نیز شرکت می‌کنند.

رئیس جمهوری آمریکا شامگاه سه‌شنبه به وقت محلی (۷ آوریل ۲۰۲۶ برابر با ۱۸ فروردین ۱۴۰۵) در بیانیه‌ای در شبکه تروث سوشال پس از ۴۰ روز جنگ علیه ایران عقب‌نشینی کرد. او با پذیرش طرح ۱۰ ماده‌ای ایران، آن را مبنایی عملی برای مذاکره دانست و مدعی شد که تقریباً تمام نکات اختلافی گذشته میان ایران و آمریکا مورد توافق قرار گرفته است. مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی ایران این تحول را نتیجه ایستادگی و مقاومت همه‌جانبه کشور توصیف کرده و بر ضرورت تثبیت دستاوردهای میدانی در عرصه دیپلماتیک تأکید کردند. در همین پیوند، محمدرضا عارف با صدور بیانیه‌ای، این رخداد را پیروزی غرورآفرین و تاریخی ملت ایران دانست و تصریح کرد آنچه امروز به‌عنوان ثبات و اقتدار ایران مشاهده می‌شود، ثمره تکوین مکتب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و ارتقای انسجام ملی در سایه این مکتب است.

تلاش رژیم اسرائیل برای تخریب آتش‌بس را بررسی شد

دیپلماسی، گروگان همیشگی نتانیاهو

حمله به هر نوعی از ثبات، دیپلماسی و توقف جنگ، استراتژی مسبوق به سابقه رژیم اسرائیل در چند دهه اخیر بوده است. این بار هم گرچه امارات متحده عربی شریک جدید ماجراجویی‌های اخیر تل‌آویو شده اما تداوم ثبات در غرب آسیا مستلزم تصمیم گیری جدی ایالات متحده است.

به گزارش ایرنا، ۴۰ روز جنگ علیه ایران، در حالی به آتش‌بسی موقت در ۱۹ فروردین رسید که شکننده بودن آن را رژیم صهیونیستی از همان ساعات ابتدایی و با حملات بسیار سنگین به لبنان تضمین کرد. همزمان حمله به تاسیسات نفتی ایران در جزایر لاوان و سیری که گمانه‌ها مبدا آن را امارات متحده عربی اعلام کردند؛ نشان داد که تداوم این آتش‌بس بیش از هر زمان دیگری با انواع تهدیدات از سوی تل‌آیو و اقدامات تحریک‌آمیز از سوی شریک جدید اسرائیل در منطقه مورد هجمه واقع شده است. این حملات در حالی است که در طرح آتش‌بس اعلامی، برقراری آتش‌بس در همه جبهه‌ها از جمله لبنان مورد تاکید قرار گرفته بود.

آتش‌بس یا توقف حملات نظامی طرف‌های درگیر، با هدف آغاز گفت‌وگوها و رسیدن به یک صلح دائمی در حالی از سوی رژیم اسرائیل و امارات مورد تهدید قرار می‌گیرد که بر مبنای آن قرار بود هیات‌هایی از ایران و آمریکا در اسلام‌آباد پاکستان مذاکراتی را آغاز کنند و اکنون در فاصله چند ساعت به این آغاز، اقدامات اسرائیل در تداوم حمله به لبنان و شماری پهپادپرانی‌های منطقه‌ای برگزاری آن را در هاله‌ای از ابهام فرو برده و این پرسش‌ها را به وجود آورده است که تل‌آویو و ابوظبی از نابودی روندهای ثبات در منطقه چه سودی برده و «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا تا چه زمانی قرار است منافع آمریکا و حتی شخص خود را به زیاده‌خواهی‌های جنگ‌طلبانه «بنیامین نتانیاهو» گره زند؟

چرا اسرائیل آتش‌بس را نقض کرد؟

۶ هفته جنگ سنگین نظامی از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل، به اذعان تحلیلگران، مقامات و شواهد میدانی، نتوانست اهداف اعلام شده هیچ‌یک از آن دو را درباره ایران محقق کند و افزایش هزینه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی این درگیری ترامپ را به رغم تمام تهدیدات تمدنی خود، مجبور به درخواست آتش‌بس و توقف درگیری‌ها کرد و نشان داد که ادامه مسیر تقابل می‌تواند، حداقل در برهه کنونی پیامدهایی غیرقابل کنترل داشته باشد و از این رو، آتش‌بس به‌عنوان گامی موقت اما ضروری برای مهار بحران مطرح و مورد پذیرش ایران هم قرار گرفت. مهار بحران اما چیزی نبود که نتانیاهو خواستار آن باشد و این موضوع بسیار طبیعی به نظر می‌رسد از آن رو که آغازگر اصلی این جنگ نخست‌وزیر اسرائیل بود؛ اذعانی که نیویورک تایمز آمریکا در تازه‌ترین گزارش خود از شروع این جنگ کرد. این روزنامه نقطه آغاز این مسیر را یازدهم فوریه می‌داند؛ روزی که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، اندکی پیش از ساعت یازده صبح وارد کاخ سفید شد و در آن جلسه، برنامه‌ای چهارلایه را پیش روی ترامپ گذاشت که می‌توانست آمریکا و اسرائیل را به سمت یک جنگ بزرگ در خاورمیانه سوق دهد. محورهای اصلی این طرح، حذف مقام های اصلی سیاسی و نظامی در ایران و تحریک مردم به حضور در خیابان و تلاش برای تغییر نظام سیاسی مستقر بود. حال ۴۰ روز پس از این برنامه‌ریزی در عمل هیچکدام از اهدافی که نخست‌وزیر اسرائیل آن‌ها را به رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد؛ در میدان محقق نشده و این به معنای تبدیل رویای فروخته شده به کابوسی مرگبار برای ترامپ بود. کابوسی که برای فرار از آن مذاکراتی را با ایران آغاز خواهد کرد تا تنگه‌ای را باز کند که پیش از این جنگ باز بود. با این حال اما نتانیاهو حتی در این مرحله هم اجازه خروج نسبتا آبرومندانه ترامپ از این برزخ را نداده و تلاش می‌کند تا با برهم‌زدن آتش‌بس موقت بار دیگر آتش این جنگ را شعله‌ور سازد اما چرا؟ پاسخ را در چند بعد باید مورد ارزیابی قرار داد؛ اول آنکه برای تل‌آویو و شخص نتانیاهو هیچ موضوعی در جهان به اندازه کاهش تنش میان ایران با کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا خط قرمز نیست از آن رو که با چنین کاهشی، داستان‌های ایران‌هراسانه نتانیاهو در جهان خریداری نداشته و باید تاج قربانی از سر اسراییل برداشته شود و از سوی دیگر جایگاه راهبردی این رژیم به عنوان بازیگر امنیتی غرب که به واسطه آن سالانه میلیون‌ها دلار از آن‌ها دریافت می‌کرد کاهش یافته یا حتی قطع شود و از این روست که این رژیم همواره تلاش کرده است تهدید ایران را به‌عنوان محور سیاست‌های امنیتی منطقه برجسته نگه دارد. در نهایت برای رژیم اسرائیل و امارات متحده عربی نقض آتش‌بس و هر روند صلح‌ساز دیگر، فقط یک اقدام مقطعی یا واکنشی نبوده و باید آن را در راهبردی عمیق‌تر به منظور پیشگیری از تغییر معادلات در منطقه دانست. این دو بازیگر تلاش دارند با ایجاد تنش، مسیر دیپلماسی را منحرف کرده و وضعیت بی‌ثبات کنونی را تداوم بخشند و از این روست که این هفته برای ترامپ بسیار دشوارتر از همیشه خواهد گذشت از آن رو که یا باید به نقطه اول بازگردد یا نتانیاهو را مهار کند.